

مضامین قصص قرآنی و روایات دینی در نقاشی عامیانه دوره قاجار

(بررسی موردی نقاشی عامیانه در مازندران)

چکیده

مضامین موجود در نقاشی‌ها در هر دوره تاریخی ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ عامه دارند و افسانه‌ها و اعتقادات مردم نقش به‌سزایی در شکل‌گیری آن‌ها داشته‌اند. دوره قاجار یکی از ادوار تاریخی ایران است که نقاشی‌های زیادی از آن برجای مانده است. بخشی از نقاشی‌های سنتی دوره قاجار در استان مازندران موجود است. بررسی مضامین این نقاشی‌ها می‌تواند گوشه‌ای از فرهنگ ایران را آشکار سازد. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیل و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی به رشته تحریر درآمده است. تأثیرپذیری نقوش از تحولات و رخداد‌های دوره قاجار از جمله رواج تعزیه در ایران، استفاده از صنعت چاپ سنگی در تولید نسخ ادبی چاپی و گسترش ادبیات و هنر عامه، مسئله‌ای است که این پژوهش دنبال می‌کند. موضوع کلیدی در این مقاله، مسأله بررسی نقش قصص با چگونگی خلق آثار هنری با این مضامین و ارتباط آنها با هویت هنر مازندران در دوره قاجار می‌باشند. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که داستان معراج پیامبر و سلیمان نبی، از مجموعه داستان‌های قصص الانبیاء است که مکرر در بناهای شهر مازندران به تصویر کشیده شده‌اند. شکل‌گیری بنای مذهبی به‌عنوان مکانی جهت برگزاری تعزیه و مراسم مذهبی از دوران قاجار بوده است. وقایع سیاسی دوره قاجار و اعتقادات مذهبی مردم، نقش برجسته‌ای در شکل‌گیری هویت این منطقه داشته و باعث حفظ و تقویت انسجام مردم این منطقه از ادوار گذشته تا به امروز بوده‌اند.

اهداف پژوهش:

۱. واکاوی جایگاه مضامین قرآنی و دینی در نقاشی سنتی دوره قاجار در مازندران.
۲. بررسی ارتباط باورهای عامیانه و فضای مذهبی دوره قاجار در مضامین نقاشی‌های سنتی این دوره.

سؤالات پژوهش:

۱. قصص قرآنی و مضامین دینی چه جایگاهی در نقاشی‌های سنتی دوره قاجار در مازندران دارند؟
۲. باورهای عامیانه و فضای مذهبی دوره قاجار در مضامین نقاشی‌های سنتی این دوره چه نقشی داشته است؟

کلیدواژه‌ها: قصص قرآنی، نقاشی عامیانه قاجار، معراج پیامبر، باورهای دینی.

مقدمه

برای منشأ نقاشی‌های عامیانه، سند محکم و قابل اعتنایی وجود ندارد. اگرچه این هنر در زمان قاجار رونق یافت، اما ریشه‌های آن را باید در پرده‌های نقاشی و باسمه‌هایی یافت که بازرگانان ارمنی و مبلغان مسیحی در زمان صفویه با خود به ایران آورده بودند. این سبک نقاشی علاوه بر قهوه‌خانه‌ها در محل‌های عزاداری، دکان‌ها، زورخانه‌ها و حمام‌ها نیز آویخته می‌شد. موضوع پرده، محل نصب آن را تعیین می‌کرد. نقاش نیز اغلب از میان اصناف برخاسته بود و معمولاً حرفه دیگری داشت و براساس ایمان و علاقه خود و از طریق تجربی، فن پرده‌نگاری را فراگرفته بود. بدون تردید دو عامل مهم باعث پدیدآمدن و گسترش نقاشی عامیانه گردید: یکی ابتکار صاحبان قهوه‌خانه‌ها بود که این نقاشی را به میان مردم عادی برد. حضور «نقال» به‌عنوان بازیگر چندکاره که خود به‌تنهایی هم نقش مورخ و راوی و هم نقش کلیه بازیگران و پرسوناژهای داستان را به عهده داشت کم‌کم باعث پدیدآمدن نیاز به نقاشی تصاویری که نقال داستانش را می‌گفت گردید. نیاز به آفرینش تابلو سبب تولد قهرمان‌های مردمی بر پهنه بوم‌های وسیع و خلق آثار گوناگون حماسی و مذهبی گردید. بدین سان، نقاشی قهوه‌خانه‌ای عامیانه شکل گرفت. عامل دوم در شکل‌گیری نقاشی عامیانه، نهضت مشروطه و جنبش آزادی‌خواهی بود (کلانتری، ۱۳۵۳: ۱۵-۲).

تعزیه‌خوانی، یکی دیگر از عوامل توسعه نقاشی قهوه‌خانه‌ای بوده است. این آیین در آغاز دوره سلطنت قاجار به‌صورت یک نمایش آیینی - مذهبی جلوه‌ای برجسته داشته و روند تحول و تکامل خود را پیموده است. «در آن زمان همه مردم، در ساختن و دایرکردن تکیه برای برگزاری مراسم عزاداری سالار شهیدان و تعزیه‌خوانی در ایام سوگواری، به خصوص در دهه محرم، شوق و علاقه فراوانی نشان می‌دادند. بانیان می‌کوشیدند تا از راه ساختن تکیه‌ها و وقف آن‌ها، اجری دنیوی و اخروی برای خود دست و پا کنند» (گوبینو، ۱۳۷۰: ۱۸۳). اوج تکامل تعزیه در دوره ناصرالدین‌شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳) بود. علاقه او به تعزیه زیاد بود. تکیه دولت، که به دستور ناصرالدین‌شاه ساخته شد، در ترویج تعزیه بسیار مؤثر بود. تعزیه‌خوانان آنجا، که درحقیقت تعزیه‌خوان دولتی بودند، زیرنظر «مُعین البُکاء»ی دربار، در برابر شاه و درباریان تعزیه می‌خواندند (مستوفی، ۱۳۸۴: ۱/ ۲۹۰).

یکی از مضامین سراسری و تکرارشونده در دوره اسلامی و دوره قاجار، قرآن مجید، قصص انبیاء، اقوام و نیز سایر قصه‌هاست، که غالباً دربردارنده نکته‌ها و عبرت‌هاست. از آنجاکه قصه در میان اقوام و فرهنگ‌های گوناگون نافذ و مؤثر بوده است، قرآن مجید نیز به قصه توجه خاصی داشته است و آنرا را با بلاغت و اعجاز وحی همراه کرده است و در طول تاریخ دعوت اسلامی مردم از قصه‌های قرآنی درس گرفته، پیام آموخته و با آن زیسته‌اند و از همان آغاز دعوت نیز، قصه‌گویی قرآن از ابزارهای تبلیغی آن، بوده است (حسینی ژرفا، ۱۳۷۶: ۱۹). نظر به اینکه در دوره قاجار ب‌ویژه در دوران نهضت مشروطیت در ایران که هنر در حال تغییر شکل و سبک بود تا با آرمان و تفکر جدید مردم هماهنگ شود، نوعی نقاشی عامیانه و دیوارنگاری به همراه نقالی و شاهنامه‌خوانی و مراسم تعزیه در بطن جامعه و در میان توده عام مردم شکل گرفت، سبک این نقاشی نیز برگرفته از ادبیات توده مردم و افسانه‌های عامیانه می‌باشند. همچنین مضامین و آثار ادبی که بیشتر در دوره قاجار در مازندران مصور شده‌اند عبارتند از: شاهنامه فردوسی، قصص الانبیاء، خمسه نظامی، عجایب‌المخلوقات قزوینی و داستان‌های عامیانه. بنیاد پژوهش کنونی بر این پرسش است: قصص قرآنی چه نقشی در تصویری‌گری مضامین عامیانه و مذهبی دوره قاجاریه و در مازندران دارند؟

فرضیه‌های تحقیق حاضر این است که داستان معراج پیامبر و سلیمان نبی، از مجموعه داستان‌های قصص الانبیاء است که مکرر در نقاشی‌های عامیانه دوره مازندران به تصویر کشیده شده‌اند. همچنین باورهای دینی و عامیانه از جمله اعتقاد به ملائک، جهان آخرت و روایات دینی از تصاویر این دوره می‌باشند. با توجه به رواج نقاشی عامیانه در دوره قاجار، به نظر می‌رسد که ارتباط عمیقی مابین این نقوش، اعتقادات مذهبی، اساطیر و حماسه‌های ملی با کارکرد دینی و اجتماعی وجود دارد که نقش برجسته‌ای در تکوین هویت منطقه داشته و باعث حفظ و تقویت انسجام مردم این منطقه از ادوار گذشته تا به امروز بوده‌اند. هدف کلی مقاله عبارت است از: بررسی مضامین قصص قرآنی و روایات مذهبی، در نقاشی دوره قاجار در مازندران. یافتن ارتباط این نقاشی‌ها، با هنر دوره قاجار.

روش انجام تحقیق تلفیق سه روش توصیفی، علی، تحلیلی - تاریخی است. ابتدا به توصیف نقوش پرداخته و سپس ضمن تجزیه و تحلیل نقوش و علل نقش‌آفرینی آن‌ها پرداخته شده است. این مقاله از منظر معنایی و محتوایی به بررسی مضامین تصویری نقاشی عامیانه می‌پردازد. زیرا پی‌بردن به معنی، مضمون و محتوای آثار موردنظر است. برای بررسی مضمون و محتوای نقوش مذهبی مرتبط با متون تعزیه، متغیرهایی که ارتباط مستقیم با دین، فرهنگ عامه و هویت منطقه مورد نظر داشته‌اند برگزیده شده‌اند.

نتیجه‌گیری

نظر به اینکه بناهای مذهبی در مازندران، جهت برپایی مراسم عزاداری برای شهادت امام حسین (ع) و یارانش برپا شده است، نقش مایه‌های این بناها نیز کارکردی فراتر از تزئین داشته و در همسو با کارکرد مذهبی این بناها، عمل می‌نمایند. از دیدگاه جامعه‌شناسی، تعزیه با توجه به تعدد جوامع در ایران و تنوع فرهنگی و قومی و گوناگونی زبانی و با عنایت به اقلیم مختلف در هر منطقه، شکل و ساختار ویژه خود را می‌یابد. تأثیر هنر شبیه‌خوانی و تعزیه، که از نقطه نظر ساخت و بافت جامعه و آداب و رسوم و فرهنگ مردم، آیین‌ها و سنت‌های محلی و بومی، پایگاه به‌خصوصی در این منطقه می‌یابد، به‌ویژه اینکه بخشی از قلمرو نهاد دین که یکی از نهادهای الهی - اجتماعی است، کاملاً در نقوش آنها مشهود است. این اماکن مذهبی برای جمع‌شدن توده مردم به هم جهت بالابردن روحیه ملی و مذهبی مردم در جامعه بر پاشدند. فضای آن‌ها پیوسته از اعتقادات عمیق مذهبی و خصلت‌های پهلوانی و سلحشوری رفتار پهلوانان اساطیری، حماسی، ملی و مذهبی و جوانمردان جامعه پوشیده بود. نقوش مذهبی به‌کار رفته در بناهای مذهبی مازندران شامل نقوش پیامبران و امامان و حوادث تاریخی مذهبی و نقاشی‌های مربوط به جهان آخرت و از این قبیل است. باورها و اعتقادات مذهبی، نقش مهمی در خلق نقشمایه‌های سقافارها داشته‌اند. دسته‌ای از این باورها در مورد جهان آخرت، پاداش و جزا، سنجش اعمال نیک و بد، و ملائک مرتبط با این اعتقادات مذهبی می‌باشند روایات دینی بسیاری از موارد به تصویر کشیده شده‌اند که بیشتر این مضامین در مورد واقعه کربلا، امامان به ویژه حضرت امیرالمومنین (ع) بوده است. بعضی از این موضوعات، در خاوران‌نامه آورده شده است.

مضامین مذهبی کلی عبارتند از: آیین‌ها و مراسم عزاداری واقعه کربلا، باورهای عامیانه، قصص قرآنی و شمایل امامان و انبیاء؛ اعتقاد به جهان پس از مرگ، و معاد؛ پاداش نیکان و مکافات گناهکاران؛ فرشتگان با نامه‌های اعمال ثواب و شیطان با در دست داشتن نامه اعمال سیاه؛ حضور عزرائیل بر بالین بیمار، خاک گرفتن عزرائیل، سؤال نکیر و منکر و حوض کوثر؛ فضای بهشت و دوزخ با عذاب گناهکاران و پاداش نیکوکاران؛ جهان آخرت، پاداش و جزا، سنجش اعمال

نیک و بد، و ملائکه؛ نمادهای مرتبط با آب که طور مستقیم و غیر مستقیم متضمن مفاهیم آب و آبیاری می باشند؛ قصص قرآنی از جمله: معراج پیامبر(ص) و بارگاه حضرت سلیمان؛ در نهایت می توان مضامین تصویری این بناها را مطابق با مذهب، ادبیات و فرهنگ عامه دوره قاجار دانست. این نقوش از متون تعزیه، نقاشی قهوه‌خانه‌ای و کتب چاپ سنگی دوره قاجار منشأ گرفته و متضمن کهن الگوها و اساطیر مستتر در اعتقادات مردم منطقه می باشند.

منابع

قرآن.

ابن منظور. (۱۹۷۰). لسان العرب، دارصادر، بیروت.

ابوهلال عسکری، حسن. (۱۴۱۲ق). الفروق اللغویة، به کوشش بیت‌الله بیات، قم.

الیاده، میرچا. (۱۳۸۲). اسطوره، رویا، راز، ترجمه: رویا منجم، چاپ سوم، نشر علم، تهران.

اشرفی، عباس. (۱۳۸۲). مقایسه ی قصص در قرآن و عهدین، انتشارات دستان، تهران.

آشنایی با معارف قرآن. (۱۳۸۰). تفسیر موضوعی(۱)، قصه‌های قرآن، واحد تدوین کتب درسی سازمان حوزه‌های خارج از کشور.

آیت‌الله زاده نایینی، مهدی. (۱۳۷۹). معراج به روایت فیض کاشانی، انتشارات ام اییها، قم.

بلاغی، صدرالدین. (۱۳۴۵). قصص قرآن، امیرکبیر، تهران.

بی آزار شیرازی، عبدالکریم. (۱۳۸۲). باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن، انتشارات فرهنگ، تهران.

پروینی، خلیل. (۱۳۷۹). تحلیل عناصر ادبی و هنری داستان‌های قرآن، فرهنگ گستر، تهران.

پورخالقی چترودی، مه‌دخت. (۱۳۷۱). فرهنگ قصه‌های پیامبران، آستان قدس رضوی، مشهد.

تمیم‌داری، احمد. (۱۳۷۹). داستان‌های ایرانی(۱). پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، تهران.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۲). قصه دینی: گفتگو با حضرت آیت‌الله جوادی آملی، فصلنامه فارابی، دوره ششم، ش ۲۱: ۴-۲۰.

جوهری، اسماعیل. (۱۳۷۶). صحاح، به کوشش احمد عبدالغفور عطار، قاهره.

حریری، محمد یوسف. (۱۳۷۸). فرهنگ اصطلاحات قرآنی، هجرت، قم.

حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۵). معادشناسی، علامه طباطبایی، تهران.

حسینی، سید ابوالقاسم. (۱۳۷۷). مبانی هنرهای قصه‌های قرآن، تهران، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، تهران.

خرمشاهی، بهاء‌الدینی. (۱۳۸۱). دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران: دوستان {و} ناهید، چ ۲، چاپ، گلشن، تهران.

خزائی، محمد. (۱۳۸۶). اعلام قرآنی، نشر امیرکبیر، تهران.

بهار، مهرداد. (۱۳۷۸). پژوهشی در اساطیر ایران، چ ۴، انتشارات آگه، تهران.

راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن، به کوشش صفوان عدنان داوودی، دمشق.

رسولی محلاتی، سید هاشم. (۱۳۸۸). تاریخ الانبیا، نشر فرهنگ اسلامی، تهران.

رضایی، سید مهدی. (۱۳۸۴). آفرینش مرگ در اساطیر، نشر اساطیر، تهران.

زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۲). بامداد اسلام، امیرکبیر، تهران.

زمخشری، محمود. (۱۳۸۵). الکشاف، قاهره.

طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم.

الطریحی، فخرالدین. (۱۳۸۶). مجمع البحرین، انتشارات کتابفروشی مرتضوی، تهران.
طوسی، خواجه نصیرالدین محمدبن حسن. (۱۳۶۰). تلخیص المحصل، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل شعبه تهران، تهران.

طوسی، محمد. (۱۴۰۹). التبیان، به کوشش احمد حبیب قصیر عاملی، بیروت.
عباسی مقدم، مصطفی. (بی تا). اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آن، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، بی جا.
قزائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور، چاپ یازدهم (در نرم‌افزار الکترونیکی جامع التفاسیر قرآن مرکز تحقیقات اسلامی نور)، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران.
قنادی، صالح، آشنایی با معارف قرآن: تفسیر موضوعی (۱) قصه‌های قرآن، سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور، قم.
کلاتری، منوچهر. (۱۳۵۳). رزم و بزم شاهنامه در پرده‌های بازاری قهوه‌خانه‌ای، هنر و مردم، شماره ۱۳۴، ۱۵ - ۲.
گوبینو، ژوزف آرتور. (۱۳۷۰). «تثاثر در ایران»، ایران‌نامه، ش ۲، ۳۳-۱۷.
مجلسی، علامه محمدباقر. (بی تا). بحار الانوار، ج ۸، قم، نشر فقه، قم.
محمدی اشتهاردی، محمد. (۱۳۸۲). سیمای معراج پیامبر اسلام (ص) از دیدگاه‌های گوناگون، انتشارات نبوی، تهران.
مستوفی، عبدالله. (۱۳۸۴). شرح زندگانی من، یا، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، نشر زوار، تهران.
مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
مهر، فرهنگ. (۱۳۷۴). دیدی نواز دینی کهن، فلسفه زرتشت، انتشارات جامی، تهران.
معارف، مجید. (۱۳۸۵). روش قرآن در طرح وقایع و سرگذشت‌های تاریخی، صحیفه مبین، شماره ۳۹: ۸-۷.
میرصادقی، جمال. (۱۳۸۶). ادبیات داستانی: قصه، رمانس، داستان کوتاه، رمان، مهناز، تهران.
نیشابوری، ابواسحق. (۱۳۸۴). قصص الانبیا، به اهتمام حبیب یغمایی، علمی فرهنگی، تهران.
همدانی، محمدبن محمود. (۱۳۸۷). عجایب نامه (عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات)، نشر مرکز.
هینلز، جان راسل. (۱۳۸۳). شناخت اساطیر ایران، مترجم: محمدحسین باجلان فرخی، انتشارات اساطیر، تهران.